

رَهیافتی به

# گاهانِ زرتشت و متن‌های نواوستایی

متن دین‌دبیره و آوانوشتِ لاتین

همراه یادداشت‌ها و روشنگری‌ها و واژه‌نامه

گزارش

جلیل دوستخواه

## در این دفتر می‌خوانید:

۷	یادداشتِ مترجم
۹	کوتاه‌نوشت‌ها و نشانه‌ها
۲۳	سرآغاز
۲۷	درآمد

### یکم: متن‌های گاهانی و اوستایی (دین‌دبیره و آوانوشتِ لاتین)

۳۳	۱. یَشْت‌ها
۶۹	۲. وی دِیَوَداتَه / وی دِیَوَدات / وَنَدیداد
۹۸	۳. ویسپَرَتو / ویسپَرَد
۱۰۰	۴. خُرَتکْ اَپَسْتاک / خُرَدَه اوستا
۱۰۳	۵. یَسْنَه
۱۰۸	۶. هَدُختْ نَسک / هادُختْ نَسک
۱۱۰	۷. نیرنگستان
۱۱۳	۸. گاهان
۱۲۱	۹. یَسْنَه هَپْتَنگْ هائیتی / یَسْنَه هفت‌ها

## دوم. گزارشِ فارسیِ متن‌ها

- |     |   |
|-----|---|
| ۱۲۷ | ۱. گاهان                                |
| ۱۴۳ | ۲. یسنَه هپتنگْ هائیتی / یسنَه هفتْ هات |
| ۱۴۵ | ۳. یسنَه                                |
| ۱۵۶ | ۴. یشتْ‌ها                              |
| ۲۲۹ | ۵. ویسپْ رتو / ویسپْ رَد                |
| ۲۳۵ | ۶. خرتکْ آپستاک / خرده اوستا            |
| ۲۴۱ | ۷. وی دئوداته / وی دیودات / وندیداد     |
| ۲۷۹ | ۸. هذختْ نسک / هادختْ نسک               |
| ۲۸۳ | ۹. نیرنگستان                            |

## سوم. یادداشت‌ها و روشنگری‌هایی در بارهٔ گاهان و متن‌ها

- |     |   |
|-----|---|
| ۲۸۹ | ۱. گاهان  |
| ۳۲۷ | ۲. یسنَه هپتنگْ هائیتی / یسنَه هفتْ هات / هفتنْ یشت |
| ۳۳۰ | ۳. یسنَه  |
| ۳۴۷ | ۴. یشتْ‌ها  |
| ۴۳۲ | ۵. ویسپْه رتو / ویسپْ رت / ویسپْه رَد               |
| ۴۳۹ | ۶. خرتکْ آپستاک / خرده اوستا                        |
| ۴۴۶ | ۷. وی دئوداته / وی دیودات / وندیداد                 |
| ۴۹۹ | ۸. هذختْ نسک / هادختْ نسک                           |
| ۵۰۴ | ۹. نیرنگستان  |

۵۱۳ واژه‌نامه

۷۱۵ کتاب‌شناخت

۷۲۳-۷۳۸ نام‌نما (فهرستِ نام‌ها و کلیدواژه‌ها)

## یادداشتِ مترجم

کارِ دشوار و ناهموارِ گاهانِ پژوهی و اوستاشناسیِ دانشگاهی و فرهیخته از سدهٔ شانزدهم میلادی با رویکردِ پاره‌ای از اروپاییانِ پژوهشگر به فرهنگِ باستانی و کیشِ کهنِ ایرانیان آغاز شد و به‌ویژه از سدهٔ هیجدهم بدین سو، با کوشش و کُنشِ دانشورانِ نستوهِ باختری و — به پیروی از آنان — شماری از پژوهندگانِ ایرانی (از سدهٔ بیستم بدین سو)، گسترش و ژرفایِ بیش‌تری یافت. از چگونگی و دامنهٔ این کارِ شگرفِ فرهنگی و علمی در جهان و ایران، پیش از این سخن گفته‌ام و در این جا نیازی به بازگفتِ نمی‌بینم (← اوستا، سرآغاز و پیش‌گفتار در ج. ۱، صص. یک-پنجاه و چهار و کتاب‌نامهٔ اوستا و مزدیسنا در ج. ۲، صص. ۱۱۲۱-۱۱۲۵).

هانس ریشلت دانشمندِ آلمانی، کتابِ کنونی را که مجموعهٔ آموزشیِ بسیار سزاواری است، در سالِ ۱۹۱۱ میلادی به زبانِ انگلیسی منتشر کرد. از او دو کتابِ علمیِ معتبرِ دیگر نیز در دست است که به یکی از آن‌ها (با کُوتَه‌نوشتِ AE) در دفترِ حاضر بازبردهایِ فراوان داده شده است و در واقع می‌توان گفت که این کار، گزینه و ساده‌تر کردهٔ آن پژوهشِ ارجمند است.

ترتیبِ یادداشت‌ها و روشنگری‌هایِ پژوهنده در این گزارش، با آنچه او بر پایهٔ آسانی و دشواریِ متن‌ها در دیدگاه داشته است (↓ ص. ۲۳ در هم‌دف.)، یکسان نیست و گزارنده متن‌هایِ گاهانی را بر بُنیادِ کهن‌تر بودگیشان، پیش‌تر از گزیده‌هایِ اوستاییِ نو جای داده است تا خواننده فرآیندِ دگردیسیِ اندیشگی و فرهنگی در این یادمان‌هایِ کهن را در پیشِ چشم داشته باشد. این جابه‌جایی، همانا با خواستِ مؤلفِ ناهمخوانی ندارد و خواننده می‌تواند متن‌ها و یادداشت‌هایِ آن‌ها را با همان پی‌آبیِ آمده در بخشِ "دین‌دبیره و آوانوشت‌ها" بخواند.

بخشِ "دین‌دبیره و آوانوشت‌ها"، تصویری است بی‌هیچِ دیگرگونی از آنچه در متنِ انگلیسیِ کتاب آمده؛ اما بخشِ "گزارشِ فارسیِ متن‌ها" را که در اصلِ کتاب، همتایی به زبانِ انگلیسی ندارد، مترجم بر کتاب افزوده است تا خواننده بتواند با خواندن و بررسیدنِ آن در کنار و همراهِ پژوهش و جُستارِ ژرفِ مؤلف، تصویر روشن‌تری از ساختارِ فکری و فرهنگی و درون‌مایهٔ متن‌ها را نیز در چشم‌اندازِ خود ببیند.

بازبردها و یادداشت‌های افزوده خود و نیز یادآوری پاره‌ای از نارسایی‌ها و سهوها در اصل پژوهش را، با فروتنی و سپاسگزاریِ تمام نسبت به کوششِ عظیم و بارآورِ پژوهنده، تنها برای روشنگریِ بیش‌تر بر پایه پژوهش‌های انجام‌یافته در یک سده پس از نشرِ این اثر بر گزارشِ کنونی افزوده‌ام و چه بسا که جایِ چون و چرا هم داشته باشد.

در بخشِ "واژه‌نامه"، به دلیلِ ستونی بودنِ صفحه‌بندی و نیز سرشتِ درهم‌آمیخته خط‌نگاریِ فارسی و لاتین، ناگزیر برخی از هنجارهای نگارشیِ دیگر بخش‌ها و نیز کاربردِ همواره کوتاه‌نوشت‌ها برهم خورده است که شاید به چشم خواننده تیزبین، گونه‌ای نایکدستی بنماید. همچنین در آوانویسیِ واژه‌های اوستایی و سنسکریت، گاه به سببِ نارساییِ نرم‌افزاری، نشانه‌هایی که باید در زیر حرف‌ها بیاید، ناگزیر در کنار و در سوی راستِ آن‌ها آمده‌است. از این زمره است: a، و ~ در اوستایی و s، r، n، h در سنسکریت. کاربردِ فراوانِ کوتاه‌نوشت‌ها و نشانه‌ها نیز امری ضروری بوده است؛ چرا که در جز این صورت، حجم این گزارش بسی بیش‌تر از این می‌شد.

گزارشگر بسیار خشنود است که در آفتابِ زردِ عمرِ خویش، این ترجمه را به همه دوستانِ فرهنگِ ایرانی پیشکش می‌کند و تا آن جا که به کار او بستگی دارد، خود را از نقد و نظرِ آگاهان و کارشناسان این راستا بی‌نیاز نمی‌بیند.

در پایان، وظیفه خود می‌دانم از دوستِ نویسنده و پژوهنده‌ام محمد کلباسی که متنِ انگلیسیِ این پژوهش را به امانت به من داد و نیز از همکارِ فرزانه دانشگاهی‌ام بانو دکتر ژاله آموزگار و دوستِ پژوهشگر و فرهیخته‌ام بانو دکتر امید بهبهانی که یاور و دل‌گرم‌کننده من بدین کار بودند، سپاسِ فراوان بگزارم.

جلیل دوستخواه

کانونِ پژوهش‌های ایران‌شناختی

تانزویل (کوینزلند) - استرالیا، نوروز ۱۳۸۲

## کوتاهنوشتها و نشانه‌ها

آثار: آثارالباقیه عن القرون الخالیه.

آثرو: آثروَه وِدا.

آر: آریایی (زبانِ باستانِ...).

آرزو: [وَجِه] آرزویی (desiderative).

آفر: آفرینگان (آفرینِ سرودهایِ سه‌گانه در خُرده‌اوستا).

آی: [زمان] آینده / مُسْتَقْبَل (future).

آی‌کا: آینده کامل (future perfect).

اخ: [وَجِه] اِخباری (indicative).

ادا: ادات / حرف / وِند / حرفِ تعریف (particle).

اداباز: اداتِ بازداري / منع / نَهی (particle of prohibition).

اداپر: اداتِ پرسش (interrogative particle).

اداتا: اداتِ تأکید (emphatic particle).

اداتف: اداتِ تفکیک (disjunctive particle).

اداتق: اداتِ تقویت (strengthening particle).

آدار: ماده‌ساز (thematic).

ادانف: اداتِ نَفی (particle of negation).

ارت: آرتِ یِشت / اَشْتِیْ یِشت (یِشتِ هفدهم).

ارد: آردای ویرازنامه / آردای ویراف‌نامه (مپ).

## درآمد

متن اوستا (فام. apastâk) فراهم آورده بخش‌های بازمانده ادب بزرگی است که زرتشت بنیادگذار و پدیدآورنده آن بود. از تاریخ و چگونگی کمال‌یابی این ادب، آگاهی‌های رهنمون و روشنگر زیادی در دست نداریم؛ اما با رویکرد به درون‌مایه پاره‌های هنوز برجا مانده این مجموعه و بر بنیاد سنت پارسیان، می‌توانیم نسبت به یافته‌های زیر، اطمینان کامل داشته باشیم. دریافت «اندرزسرودهای پیوسته»<sup>۱</sup> زرتشت — که در آغاز به سبب آهنگین بودن آن‌ها، به آسانی به یاد می‌ماند — در زمانی کهن، با دشواری روبرو شد. زیرا زرتشت این اندرزها را با این پیش‌فرض سروده بود که شنونده از چگونگی رویدادهای ویژه‌ای که پیش از آن در «اندرزسرودهای ناپیوسته»<sup>۲</sup> وی با ابهام کم‌تری بدان‌ها اشاره رفته بود، آگاه است. بر این پایه، پرستاران خویشکاری گزارش این «اندرزهای پیوسته» را پذیرفتند و در این راه، سخت کوشیدند و از مجموع این تفسیر و تأویل‌ها، کیش [زرتشتی] را بنیاد نهادند.

خط‌های کلی افسانه‌های ورجاوند، گیهان‌شناخت و فرجام‌شناخت یکی پس از دیگری کشیده شد. طرحی کلی از کُنش‌های پرستشی و آیین‌های دینی برای خود پرستاران و برای دین‌پذیرفتگان شکل گرفت. رمزگان‌های نیایش و سرودهای ورجاوند سامان‌یافت و در یک نیایش‌نامه فراهم آمد. جشن‌های ویژه فراخوانی هر یک از ایزدان، زمینه‌چینی شد. شمار ایزدان پیوسته افزونی می‌گرفت و این از یک سو به سبب جای دادن ایزدان نو در انجمن ایزدان پیشین بود و از سوی دیگر به دلیل بودن ایزدان کهن آریایی همچون هئومه و میثره که ریشه‌های ژرف رویکرد بدان‌ها در باورهای مردم‌پسند، بازدارنده بیرون‌رانندگی همیشگی آن‌ها

---

۱. «اندرزسرودهای پیوسته» برگردان seremons in verse است و «پیوسته» را به معنی «منظوم و موزون» از فردوسی وام گرفته‌ام که می‌گوید: «ز گفتار دهقان یکی داستان/ پیوندم از گفته باستان». - م.

۲. «اندرزسرودهای ناپیوسته» گزارش prose seremons است. - م.

از کیش می‌شد و بازگردانیدن آنان به انجمن ایزدان را ناگزیر می‌کرد. برخی از افسانه‌های کهن پهلوانی ایرانیان نیز درهم تنیده با این نیایش‌ها عرضه گردید و سرانجام، فقره‌هایی از درونمایه‌های تاریخی و حقوقی که به پرستش بازبُرد داشت، به این متن‌ها افزوده شد. بدین سان، ادب و رجاوندی با دامنه‌ای گسترده پدید آمد که به دلیل ناتوانی پیش‌رس زبان [اوستایی] نیازمند بازنگری بود.

بر پایه داده‌های سنت، تا دوران هخامنشیان متن سراسر بازنگریسته و پذیرفته‌ای از اوستا که بیست و یک نَسک<sup>۱</sup> و بر روی هم یکصد بخش را دربر می‌گرفت، برجا مانده بود (یس. ۱۴:۹، یاد.). این متن، سرانجام در هنگام تازش اسکندر به ایران، از میان رفت. و در آغاز شهریارِ ساسانیان - روزگاری که باورمندی به رهنمودهای اوستایی، به کیشِ ملی ایرانیان تبدیل شد - هیچ ویرایش کاملی از متن اوستا در دست نبود و این حال تا سده سوم میلادی - که نامه کهن دینی مزدایرستان از نو سامان داده شد - ادامه داشت. می‌توان احتمال داد که این سامان بخشی به هنگامی صورت پذیرفت که مجموعه متن‌های ورجاوند باستانی، از دبیره دشوار و نارسای فارسی میانه (پارسیک/پهلوی) به دبیره ساده و رسای اوستایی (دین دبیره) آوانویسی شد. در واقع در ویرایش روزگار ساسانی، همه بیست و یک نَسک اوستا فراهم آمد؛ اما تمام آن‌ها دیرزمانی برجا نماند.

فراهم آورنده دینکرت / دینکرد - که اثری است به زبان پهلوی از سده نهم میلادی - در کتاب‌های هشتم و نهم این مجموعه، گزینۀ همه نَسک‌های دیرینه را آورده و تصویری از اوستای گسترده را - که تا آن زمان نیز بر جای مانده بوده است - به ما می‌دهد.

اوستای کنونی فراگیر نزدیک به یک چهارم اوستای بزرگ (اوستای روزگار باستان) است که فراهم آورنده دینکرت به ما می‌شناساند. این مجموعه بازمانده، بر پایه درونمایۀ خود، چهار بخش دارد:

۱. در اوستایی naska به معنی دفتر و کتاب است و در کلیدواژه‌های اوستاشناختی، هریک از بخش‌های بیست و یک گانه اوستای روزگار باستان، یک نَسک خوانده می‌شود. در دوره‌های پسین، گاه این واژه را به مفهومی تمام متن اوستا به کار می‌بردند. شاید ریشه «نَسَخ» و همه ساخت‌های آن در زبان عربی - که در فارسی هم کاربرد دارد و به معنی نوشتن و کتابت است - از همین واژه اوستایی گرفته شده باشد. در باره پیشینه کاربرد «نَسَخ» در زبان عربی و برداشت لازار (Lagarde) از گرفته شده بودن احتمالی آن از نَسک اوستایی - آرتور جفری: واژه‌های دخیل در قرآن مجید، ترجمه دکتر فریدون بدره‌ای، تهران - ۱۳۷۲، صص ۳۹۹ - ۴۰۱ - م.



۱. گاهان، [سرودها و] اندرزهای پیوسته زرتشت.
۲. یسنه‌ها و جز آن، نیایش‌سرودهایی برای نیایش‌آیین‌های ویژه دینی.
۳. یشت‌ها، ستایش‌سرودهای ویژه به یاری فراخواندن هر یک از ایزدان و مینویان و زجاوند.
۴. وی دئوه داته / وندیداد، داد دیوستیز / دادنامه.

## ۱. گاهان

### سرود یکم: آهونه وئیتی گاتا / آهونود گاه

الف) یسنه، هات ۲۹، بندهای ۱ - ۱۱

۱. گئوش اوروتنه [اروان گاو / روان جهان بارور] به نزد شما گله گزارد:

«مرا برای چه آفریدی؟ کدامین کس مرا ساخت؟ خشم و چپاول و تئدخویی و دست‌یازی و گستاخی، یکسره مرا در میان گرفته است!

«مرا جز تو پشتیبان و پناه‌بخشی نیست. اکنون رهایی‌بخشی سزاوار به من بنهای!»

۲. آن‌گاه آفریدگار گیتی از آشه پرسید:

«چه کسی را شایسته زدی جهان می‌شناسی تا بتوانیم یاورِ خویش و تُخشایی به آبادانی

جهان را بدو ببخشیم؟

«کدامین کس را به سالاری جهان خواستاری که [تواند] هواخواهانِ دُروج و خشم را

درهم بشکند و از کار باز دارد؟»

۳. آشه بدو پاسخ داد:

«[چنین سرداری، کسی است که] به جهان [و مردمان] بیداد نمی‌ورزد [و] مهربان و بی‌آزار است.

«از آنان [(مردمان) کسی را] نمی‌شناسم که توش و توانِ نگاهبانی از نیکوکاران در برابر

تباهکاران را داشته باشد.

«او [باید] نیرومندترین مردمان باشد تا هرگاه مرا فراخواند، به یاری‌اش بشتابم.

۴. «بی‌گمان مزدا بهتر از هر کس به یاد دارد که در گذشته، دیوان و دُرُوندان چه کردند و

[نیک] آگاه است که در آینده چه خواهند کرد.

«آهوره یگانه دادگستر در جهان است. پس، آنچه خواست او باشد، [سزاوار است و] همان

خواهد شد.